

اول بهمن 1348 ش، سرآغاز سلسله درسهایی زیربنایی "ولایت فقیه" یا "حکومت اسلامی" بود که حضرت امام خمینی(ره) همزمان با رهبری حرکت سرنوشتساز بسیج نیروهای جوان و دانشگاهی و تشویق آنان به مطالعه و بررسی قوانین همه جانبه اسلام، در حالی که چند سالی از تبعیدشان در نجف اشرف میگذشت، در طی دوازده جلسه در مسجد شیخ انصاری ارائه نمودند.

به راستی تاریخ آغاز نظریه ولایت فقیه را باید زمان پیامبر(ص) دانست. به طور کلی مسلمانها از صدر اسلام با دو مسئله اساسی روبرو بوده‌اند: یکی حضور نداشتن پیامبر(ص) در بسیاری از شهرها و دیگری نیاز مبرم به احکام و دستورهای سیاسی و فردی؛ بنابراین به افرادی نیاز داشته‌اند که دستورها را برای آنها تبیین کنند. در واقع نیاز به فقهای بنام در دوران امامان معصوم نیز احساس می‌شده است. لکن آنچه در این مقاله به بحث و بررسی گرفته شده دوران تاریخی آغاز اسلام و امامان معصوم که نگین است.

زمانی خاص است که به دوره «غیبت کبری» شهرت دارد و غرض خاصی را پاسخگوست.

اول بهمن 1348 ش، سرآغاز سلسله درسهایی زیربنایی "ولایت فقیه" یا "حکومت اسلامی" بود که حضرت امام خمینی(ره) همزمان با رهبری حرکت سرنوشتساز بسیج نیروهای جوان و دانشگاهی و تشویق آنان به مطالعه و بررسی قوانین همه جانبه اسلام، در حالی که چند سالی از تبعیدشان در نجف اشرف میگذشت، در طی دوازده جلسه در مسجد شیخ انصاری ارائه نمودند. این بحث علمی نه تنها حوزه‌های علمیه و محافل علمی روحانیت را با بیانی مستدل و فقهی به اصل تفکیک ناپذیری دین و سیاست متوجه مینمود، بلکه محیط‌های دانشگاهی را نیز با نظام سیاسی اسلام به عنوان یک تئوری کامل و الهی برای حکومت اسلامی آشنا میکرد و روح خودکمیینی و خودباختگی را از این محافل آشنا با فرهنگ غرب میزدود. سخنان حضرت امام خمینی در این جلسات پس از مدتی تبدیل به کتابی با همین عنوان گردید و علیرغم ممنوعیت و تدابیر شدید ساواک ایران، به طرق گوناگون و مخفیانه به دست مبارزان داخل کشور میرسید.

### نظریه ولایت فقیه؛ از نظر تا عمل

طرح نظریه ولایت فقیه از سوی امام خمینی رحمه الله علیه، یک سیر منطقی و متناسب با شرایط زمانه را طی کرده است؛ به‌صورتی که ایشان برای اولین بار در اواخر دهه بیست هجری شمسی، با نوشتن کتاب «کشف‌الاسرار»، بحث حکومت فقهی در زمان غیبت امام عصر علیه السلام را به‌صورت اجمالی مطرح می‌فرمایند، اما با توجه به اینکه شرایط زمانه را متناسب برای فهم حقیقت ولایت فقهی نمی‌دانند و از نظر ایشان مردم هنوز ذهنیت پذیرش حکومت فقهی را ندارند، خیلی وارد جزئیات این بحث نمی‌شوند و تلویحاً به گفتن کلیات بسنده می‌کنند. امام رحمه الله علیه در این کتاب، این تصور اشتباه را که ولایت فقیه همان دیکتاتوری و استبداد است، به نقد می‌کشند و فهم خود را از الگوی حکومت اسلامی، این‌گونه ارائه می‌دهند: «حکومت باید به دست فقیه باشد، نه آنکه فقیه باید شاه و وزیر و سرلشکر و سپاهی باشد، بلکه فقیه باید نظارت در قوه تقنینیه و در قوه مجریه مملکت اسلامی داشته باشد.»

کتاب «تحریرالوسیله» کتاب فقهی حضرت امام رحمه الله علیه به‌شمار می‌رود که ایشان در باب «بیع و مکاسب محرمه»، موضوع ولایت فقهی عادل را از نظر فقهی به بحث می‌گذارند، ولی فرصت اقامت ایشان در فضای حوزوی نجف اشرف و همچنین شروع قیام مردمی در ایران، ایشان را به این نتیجه می‌رساند که فضای جامعه، آمادگی پذیرش طرح نظریه ولایت فقیه را دارد، زیرا مردم در عمل، رهبری سیاسی حضرت امام رحمه الله علیه را در قیام تاریخی ۱۵ خرداد سال ۴۲ پذیرفته بودند و از طرفی هم ولایت فقیه، چیزی جز پذیرش رهبری سیاسی فقیه عادل نیست. لذا ایشان فرصت را غنیمت می‌شمارند و نظریه خود را در مورد ولایت فقهی در عصر غیبت، با تفصیل بیشتر و به‌صورت عملیاتی، در طول سیزده سخنرانی، از اول تا بیستم بهمن‌ماه سال ۴۸، تقریر می‌فرمایند.

### تفاوت نگاه امام با سایر علمای هم‌عصر ایشان

طرح نظریه ولایت فقیه و ارائه راهکارهای عملی برای مبارزه در راه دستیابی به آن، یکی از مهم‌ترین اقدامات امام رحمه الله علیه در دوران تبعید بود و همین نکته است که نظریه امام رحمه الله علیه را از نظرات علمای هم‌عصر خود متمایز می‌کند؛ چراکه علما در اینکه فقیه عادل ولایت دارد، اتفاق نظر دارند، اما اختلاف بر سر محدودی اختیارات و شئون ولایت فقیه و مهم‌تر از آن، وجوب زمینه‌سازی برای تحقق حکومت اسلامی است. امام رحمه الله علیه برخلاف آنها نه تنها تشکیل حکومت مبتنی بر ولایت فقیه را ممکن می‌دانستند، بلکه آن را لازم و فراهم کردن شرایط تشکیل آن، از جمله قیام علیه حکومت جائر را واجب می‌دانستند. این در حالی است که بسیاری از فقها، پذیرش ولایت را در صورتی برای فقیه واجب می‌دانستند که شرایط تشکیل حکومت فراهم باشد، ولی فراهم کردن این شرایط و مقدمات را بر فقیه واجب نمی‌دانستند. برای مثال، مرحوم نائینی، از نظریه‌پردازان انقلاب مشروطه، با اینکه ولایت را از آن فقها می‌دانست، ولی آن را عملی نمی‌دانست. لذا به نظریه مشروطه روی آورد.

### الف) خلاصه‌ای از مباحث کلامی امام خمینی در کلاس‌های درس نجف

بدهات ولایت فقیه

حضرت امام رحمه الله علیه در ابتدای کتاب «ولایت فقیه»، جان کلام را در یک جمله خلاصه کرده و ولایت فقیه را امری بدیهی به‌شمار می‌آورد؛ یعنی امری که خیلی نیازی به استدلال ندارد و در اینجا که نقطه‌ای اوج بهت و حیرت مخاطب از این سخن است، ایشان این جمله را بدین‌شکل شرح و بسط می‌دهند: «ولایت فقیه از اموری است که تصور آن، موجب تصدیقش

می‌شود و چندان احتیاجی به برهان ندارد. به این معنی که هرکس عقاید و احکام اسلامی را حتی اجمالاً دریافته باشد، چون به ولایت‌فقیه برسد و آن را به تصور آورد، بی‌درنگ تصدیق خواهد کرد.»

### اجتماعی بودن احکام اسلام

حضرت امام رحمة الله علیه، در اثبات مدعای خود مبنی بر اجتماعی بودن احکام و قوانین اسلامی، بعضی از احکام اسلام را به عنوان نمونه به بحث می‌گذارد: «دلیل دیگر بر لزوم تشکیل حکومت، ماهیت و کیفیت قوانین اسلام است... از طرز معاشرت با همسایه و اولاد و عشیره و قوم و خویش و همشهری و امور خصوصی و زندگی زناشویی گرفته تا مقررات مربوط به جنگ و صلح و مراد به سایر ملل، از قوانین جزایی تا حقوق تجارت و صنعت و کشاورزی.»

امام خمینی رحمة الله علیه هرچند تفسیر جامعی از دین اسلام ارائه می‌کند، اما قوانین و احکام دین را برای هدایت بشر کافی نمی‌داند و معتقد است که اگر قانون، قانون اسلام باشد، اما مجری قانون، شخص دارای صلاحیت نباشد، حکومت اسلامی برقرار نخواهد شد.

### ویژگی‌های حاکم اسلامی

ایشان دو صفت علم به قانون اسلام و التزام به اجرای قوانین اسلام را برای کسی که می‌خواهد احکام اسلام را در جامعه پیاده کند، لازم می‌دانند. پرواضح است که این دو شرط را امام معصوم علیه‌السلام، در عالی‌ترین سطح آن، که علم مطلق و عصمت کامل است، دارد. اما سؤال اینجاست که در شرایط غیبت امام معصوم علیه‌السلام، چه باید کرد؟ امام خمینی رحمة الله علیه با توجه به اینکه احکام اسلام تاریخ‌مصرف ندارد، اجرای این قوانین را لازمه‌ی سعادت حیات بشری می‌داند. لذا وقتی بشریت از دسترسی به امام معصوم علیه‌السلام محروم است، یک گام از سطح امام معصوم علیه‌السلام عدول کرده و به جای ویژگی علم مطلق به فقه و به جای عصمت کامل به عدالت رضایت می‌دهد و این یعنی تجویز حکومت فقیه عادل در عصر غیبت امام معصوم علیه‌السلام.

### نوع نگاه امام به مقوله‌ی حکومت

در نگاه امام رحمة الله علیه، حکومت تنها ابزار اجرای احکام است و بالذات اصالتی ندارد، اما اگر همین حکومت، به اقامه‌ی ارزش‌ها و احکام دین همت بگمارد و به مقابله با ظلم و ستم و حمایت از مظلوم پردازد، ارزشمند می‌شود. لذا در بیان امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم، حکومت فی‌نفسه از یک کفش وصله‌دار کم‌ارزش‌تر است، اما همین حکومت، زمانی که بتوان با آن حقی را برقرار ساخت یا باطلی را از میان برداشت، ارزش پیدا می‌کند.

### ب) بازتاب‌های طرح نظریه‌ی ولایت فقیه

طرح نظریه‌ی ولایت فقیه از یک‌سو، به خاطر تلقی رایجی که از آموزه‌های اسلام در اذهان جایگزین شده بود و از سوی دیگر، به جهت وضعیتی که بر امور سیاسی-اجتماعی جهان اسلام عموماً و ایران و گروه‌های فعال سیاسی خصوصاً، حاکم بود، واکنش‌های گسترده‌ای را در میان موافقان و مخالفان ایجاد کرد. این عکس‌العمل‌ها را در میان چند طیف می‌توان مورد بررسی قرار داد:

#### ۱. یاران امام

دوری حضرت امام رحمة الله علیه از ایران از یک طرف و جو خفقان و خشونت‌بار ایجادشده از سوی رژیم حاکم از طرف دیگر، نوعی یأس و سرخوردگی را بر مبارزان حاکم نمود. عده‌ای از مبارزان سرخورده شدند و دست از مبارزه کشیدند و تنها جمع اندکی که در صحنه‌ی مبارزه باقی مانده بودند، یا گرفتار زندان، شکنجه و تبعید شدند و یا چاره‌ای جز مبارزه‌ی پنهان و زندگی در خفا نیافتند. اختلافات درونی نیز مزید بر علت شده بود. در چنین وضعیتی، به‌یکباره فریاد بلند «احیای حکومت اسلامی»، نشان از وجود امید پیروزی در رهبری مبارزه داد و سکوت آزاردهنده در میان یاران امام را شکست. آنان که آینده را مبهم می‌پنداشتند، امیدوار شدند و جنب‌وجوش فوق‌العاده‌ای به وجود آمد.

#### ۲. حوزه‌ی علمیه‌ی قم و نجف

مباحث امام در نجف، حوزه‌ی علمیه قم را بیدار کرد. حتی عده‌ای از علمای قم که به این نوع مباحث بی‌اعتنا بودند، بحث ولایت‌فقیه را شروع کردند. برخلاف حوزه‌ی علمیه قم، در حوزه‌ی نجف تبوتاب دیگری وجود داشت. بعضی از آقایان نجف، بیوت و گروه‌های سیاسی، نسبت به مباحث حکومت اسلامی نگران بودند و از خود حساسیت نشان می‌دادند. این حساسیت‌ها عمدتاً به دو دلیل صورت می‌گرفت:

۱. جمعی از علمای نجف و شاگردان آن‌ها، بدون اینکه سوءنیتی داشته باشند یا انگیزه‌های سیاسی در کار باشد، فقط به خاطر برداشت نادرست خود از مباحث حضرت امام رحمة الله علیه، واکنش نشان دادند.
۲. گروه دیگر که دچار تحجر شدید دینی بودند یا فریب تبلیغات دشمنان را خورده بودند و یا احیاناً وابستگی به عوامل رژیم شاه داشتند، به انگیزه‌های سیاسی، شدیدترین واکنش‌ها را در مقابل طرح امام به خرج دادند. این عده، از سویی تلاش گسترده و همه‌جانبه‌ای را برای بازداشتن افراد از شرکت در درس امام رحمة الله علیه آغاز کردند و از سوی دیگر، جمع قابل توجهی از مخالفان برای ابراز مخالفت و ایراد و اشکال در جلسات درس حاضر می‌شدند و با طرح مسائلی در کلاس، سمپاشی می‌کردند. ۱۴

#### ۳. روشن‌فکران غرب‌زده

با توجه به سیطره‌ی فرهنگ غرب بر تعدادی از شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی و دوری آنان از اسلام اصیل، طرح حکومت اسلامی برای آنان، ثقیل آمد و موجب حیرت و وحشت شد. گروه‌های غرب‌زده، سخت تلاش کردند این طرح را در انزوا قرار دهند و با سکوت خود، حداقل از رونق آن بکاهند. جبهه‌ی ملی، نهضت آزادی، اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و طیف بنی‌صدر و قطب‌زاده، از این دسته بودند. حتی بعضی از آنان، آنچه را که از روحانیون مجاهد نجف، از کتاب،

نشریه و ماهنامه به دستشان در اروپا می‌رسید، کنترل می‌کردند تا اگر در آن‌ها موضوعی بود که با اندیشه‌ی لیبرالیستی و فرنگ‌مآبی نمی‌خواند، سانسور نمایند و از پخش آن در میان جوانان دانشجو در اروپا، جلوگیری به عمل آورند.

#### ۴. دربار شاهنشاهی

نظریه‌ی امام خمینی رحمه‌الله علیه توسط خلعتبری، وزیر امور خارجه، به شاه رسید و شاه سخت عصبانی شد، زیرا شاه می‌دانست چنین نظری چه پیامدهایی برای حکومت وی خواهد داشت. رژیم شاه با طرح حکومت اسلامی از سوی حضرت امام رحمه‌الله علیه به شدت مخالفت ورزید؛ چراکه می‌دانست امام رحمه‌الله علیه اولین پایگاهی که برای تحقق آن در نظر دارد، ایران است. از این رو در مرحله‌ی اول، سعی کرد از توزیع جزوات این درس در داخل کشور جلوگیری نماید و در مرحله‌ی دوم، برای جلوگیری از تکثیر و نشر آن در داخل، تمامی چاپخانه‌ها، کتاب‌فروشی‌ها و مراکز نشر را تحت مراقبت شدید مأموران ساواک قرار داد. سپس با یورش‌های شبانه به منازل علما و روحانیون و یاران امام رحمه‌الله علیه، تلاش کردند نوارها و جزوات حکومت اسلامی را جمع‌آوری کنند.

#### ج. کارآمدی نظریه‌ی ولایت فقیه

پس از انتشار این کتاب، تحول عمیقی در تفکرات انقلابیون شیعه به وجود آمد و آنان را به نکاپوی جدیدی واداشت. به گفته‌ی جان فوران، کتاب «حکومت اسلامی وی، انقلابی ایدئولوژیک به وجود آورد، زیرا در آن به‌طور مستقیم، مشروعیت سلطنت را زیر سؤال برد و از حکومت فقهای شایسته‌ی اسلامی حمایت کرد.»

نظریه‌ی امام رحمه‌الله علیه از سال ۴۹ تا ۵۷، نزدیک به ۸ سال، در معرض افکار مردم قرار گرفت و چنان مقبولیتی عام یافت که شعار استراتژیک مردم ایران، حکومت اسلامی شد، درحالی‌که ایدئولوژی‌های راست‌گرا و چپ‌گرایانه، در بعضی از موارد، دارای امکانات رسانه‌ای بیشتری هم بودند، اما هیچ‌گاه مقبولیت عام نیافتند. لذا با مطرح شدن این نظریه در بین ملت آزادی‌خواه، موج جدیدی از استقلال‌طلبی و استبدادستیزی در جامعه‌ی ایران شکل گرفت که پس‌لرزه‌های آن، موجب شکوفایی استعدادها و نهفته‌ی انقلابی شد و توانست در سال ۵۷، با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، در عرصه‌ی اداره‌ی اجتماع، به منصفی ظهور بنشیند و کارآمدی خود را نشان دهد و الگویی باشد برای سایر کشورهای اسلامی و همه‌ی ملت‌های آزاده‌ی جهان تا بدانند اسلام در عرصه‌ی اداره‌ی جامعه، حرف برای گفتن دارد.